

بررسی رابطه مواجهه با نیروهای امنیتی و حمایت اجتماعی با ارتکاب سرقت در بین جوانان شهر یاسوج

تاریخ پذیرش: 1394/06/17

تاریخ دریافت: 1394/01/05

مریم مختاری¹، بتول صفی‌نژاد²

از صفحه 57 تا 82

چکیده

زمینه و هدف: سرقت یکی از باسابقه‌ترین جرایم بشری است که در جوامع مختلف به شیوه‌های گوناگون دیده می‌شود. در این راستا هدف از انجام این تحقیق بررسی رابطه مواجهه با نیروهای امنیتی و حمایت‌های اجتماعی با ارتکاب سرقت در بین جوانان شهر یاسوج است.

روش‌شناسی: روش انجام پژوهش حاضر، علی-مقایسه‌ای بوده است که برای انجام تحقیق 120 جوان که به جرم ارتکاب سرقت در زندان شهر یاسوج محبوس بودند و همزمان با آن 120 جوان که مرتکب سرقت نشده و در زندان به سر نمی‌بردند، به‌عنوان نمونه مورد مطالعه در نظر گرفته شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته بود که برای تعیین اعتبار آن از اعتبار صوری و اعتبار سازه‌ای به روش تحلیل عاملی و برای تعیین پایایی از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آمار توصیفی و آمار استنباطی (رگرسیون لجستیک) انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میانگین احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی در بین افراد عادی برابر با 34/8 و در محکومین به سرقت برابر با 29/6 بوده است؛ هم‌چنین میانگین حمایت اجتماعی در بین افراد غیر سارق برابر با 70/6 و در محکومین به سرقت برابر با 56/3 بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج به‌دست آمده نشان داد، بین احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی، حمایت اجتماعی و ارتکاب سرقت رابطه معنی‌داری وجود دارد. به‌طوری که در نتیجه احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی برای افراد، احتمال ارتکاب به سرقت آنها نیز کاهش می‌یابد و بر عکس؛ هم‌چنین حمایت‌های اجتماعی سبب کاهش احتمال ارتکاب سرقت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سرقت، جوانان، حمایت اجتماعی، پلیس، نیروهای امنیتی، یاسوج.

1 - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول) Mmokhtari@yu.ac.ir

2 - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

زندگی اجتماعی همواره انطباق افراد جامعه با قواعد اجتماعی را در بر ندارد. در مقابل رفتارهای بهنجار اجتماعی، رفتار انحراف‌آمیز نیز در هر جامعه‌ای رواج دارد. انحراف به دوری جستن از هنجارها اطلاق می‌شود و زمانی رخ می‌دهد که یک فرد یا یک گروه معیارها و هنجارهای مقبول جامعه را رعایت نکنند. یکی از این انحرافات، سرقت می‌باشد. سرقت عبارت است از ربودن مال غیر به قصد تملک (صدارت، 1384: 256). سرقت از جرایم مهم و پرشمار اجتماع‌های انسانی است که به‌طور تقریبی در کلیه جوامع مختلف، متفاوت بوده است (قربان حسینی، 1381: 30).

سرقت یکی از باسابقه‌ترین جرایم بشری است که در جامعه‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون دیده می‌شود. این پدیده در طول زمان دستخوش دگرگونی‌ها و تغییرات زیادی شده، اما تنها چیزی که از بدو پیدایش و شکل‌گیری آن تاکنون ثابت مانده، زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است (ستوده، 1389: 157).

سرقت پدیده‌ای است که همزمان برهم زننده امنیت مالی و جانی دیگری است. سارق با ارتکاب سرقت سعی می‌کند وضعیت خود را با تجاوز به مال دیگری بهبود ببخشد. ایجاد حس تهدید مالی و جانی در افراد جامعه، ضمن آن که تا حد زیادی انگیزه آنها را برای تلاش و کسب دارایی و ثروت مشروع تضعیف می‌کند، تسهیل‌کننده هرج و مرج در مناسبات و روابط اجتماعی و به دنبال آن تزلزل در بنیان‌های نظم عمومی و تقویت بی‌سازمانی اجتماعی نیز هست. پدیده سرقت می‌تواند از سوی اقشار و افراد در سنین گوناگون انجام شود. در این بین ارتکاب سرقت توسط جوانان پدیده‌ای مورد توجه پژوهش‌گران و محققان در جامعه می‌باشد.

جوانان آینده‌سازان هر جامعه‌ای هستند. اساس و شالوده هر جامعه‌ای به میزان صحت و سلامت اجتماعی افراد آن و به‌خصوص جوانان آن بستگی دارد. هر قدر جامعه بتواند با روش‌ها و شیوه‌های مختلف جامعه‌پذیری و نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارهای خود، زمینه رشد و تکامل آنها را فراهم سازد، به‌همان میزان سلامت جامعه نیز افزون می‌شود؛ بر این اساس در این پژوهش ارتباط برخی متغیرهای اجتماعی در رابطه با سرقت، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بیان مسئله

سرقت از جمله انحرافات اجتماعی است که روند آن در طی سال‌های گذشته نشان داده شد. آمارهای اداره کل پلیس بین‌الملل در مورد انواع سرقت در 93 کشور جهان در سال 1999 نشان می‌دهد که در ده کشور آلمان، فرانسه، ژاپن، روسیه، آفریقای جنوبی، کانادا، استرالیا، اسپانیا، لهستان و دانمارک به ترتیب بالاترین حجم سرقت روی داده است. در بین این ده کشور، بیشترین تعداد سرقت در آلمان و کمترین تعداد سرقت در دانمارک بوده است. بر اساس این گزارش، ایران با 122750 مورد سرقت، رتبه بیست و سوم را دارد (یحیی‌زاده و همکاران، 1388: 91-92).

بر اساس گزارش‌های سالنامه آماری مرکز آمار ایران سرقت از اماکن طی سال 1385 تا 1390 معادل 2/3 برابر شده است (130 درصد افزایش داشته است) و از 46524 فقره سرقت در سال 1385 به عدد 108498 در سال 1390 رسیده است (سالنامه آماری، مرکز آمار ایران سال 1385 و 1390).

طبق آخرین اطلاعات به دست آمده از نیروی انتظامی شهر یاسوج میزان جرایم انجام شده در این شهر در سال‌های 1389 تا 1392 رو به افزایش بوده که این امر موجب نگرانی و احساس نیاز به انجام پژوهش شده است.

جدول شماره (1): میزان سرقت در شهرستان بویر احمد طی سال‌های 89 تا 92

میزان سرقت	سال 89	سال 90	سال 91	سال 92
کل سرقت	1562	3390	4838	5100
سرقت کشف شده	368	942	1103	1176
درصد افزایش کل نسبت به سال قبل	80%	117%	43%	5/5%
درصد سرقت کشف شده نسبت به کل سرقت در هر سال	23/5%	27/5%	23%	23%

منبع: گزارش دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی شهر یاسوج (1393)

بر اساس جدول فوق می‌توان مسئله‌دار بودن موضوع سرقت را در شهر مورد مطالعه نشان داد. میزان سرقت در شهرستان بویر احمد در طی سال‌های اخیر حاکی از آن است که سرقت هر ساله نسبت به سال قبل رشد داشته است. با توجه به موضوع مورد

مطالعه یعنی نقش مواجهه با نیروهای امنیتی در ارتکاب به سرقت، درصد سرقت کشف شده در این شهرستان حاکی از آن است که میزان قابل توجهی از سرقت‌های انجام گرفته کشف نمی‌شوند و به عبارتی سارق در انجام سرقت خود موفق عمل کرده است. مسئله قابل طرح در این تحقیق آن است که بر اساس جداول فوق، پدیده سرقت در بین نوجوانان و جوانان در حال افزایش است. روند افزایشی سرقت به‌عنوان یک انحراف اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک مسئله تلقی شود. چراکه علاوه بر شیوع یک رفتار انحرافی، دارای تبعات اجتماعی و اقتصادی برای جامعه محسوب می‌شود. این امر نیاز به پژوهش در این زمینه را می‌طلبد؛ بنابراین بررسی عوامل ارتکاب سرقت می‌تواند راه‌کار مناسبی برای شناسایی ریشه‌ها و خشکاندن این ریشه‌ها باشد. بر اساس مسئله ذکر شده این سؤال مطرح می‌شود که از میان عوامل اجتماعی که می‌تواند در ارتباط با سرقت باشد، احتمال ارتکاب سرقت تا چه حد متأثر از مواجهه افراد با نیروهای امنیتی و حمایت‌های اجتماعی می‌باشد؟

به این ترتیب توجه به این که آیا سرقت تحت تأثیر حمایت‌های اجتماعی است یا خیر و این که احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی تا چه حد می‌تواند احتمال ارتکاب سرقت را کاهش دهد، به‌نوعی به کنترل ارتکاب سرقت کمک می‌کند. به‌طوری‌که در صورت وجود چنین رابطه‌ای و بر حسب میزان ارتباط این متغیرها با احتمال سرقت، میزان و نوع سرمایه‌گذاری در زمینه کنترل سرقت از طریق این دو متغیر را مشخص خواهد ساخت.

مبانی نظری

در این پژوهش برای تدوین مبانی نظری از نظریه دکتترین بازدارندگی و امنیت هستی‌شناختی گیدنز استفاده شد.

دکتترین بازدارندگی

در مقابل نظریه شرم‌نده‌سازی که عمدتاً نوعی کنترل اجتماعی غیررسمی که توسط خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران اعمال می‌شود را مهم تلقی می‌کنند، دکتترین بازدارندگی بر کنترل اجتماعی رسمی تأکید دارد که به‌وسیله قضات و سایر عوامل اجرای قانون اعمال می‌شود. فرض اصلی در این نظریه این است که انسان‌ها اساساً

عقلانی عمل می‌کنند و در مورد ارتکاب هر نوع کج‌رفتاری تحلیل داده - ستانده می‌کنند و چنان‌چه هزینه ارتکاب بیش از منفعت آن باشد، از کج‌رفتاری خودداری خواهند کرد؛ بنابراین فرض اصلی این است که مجازات، یعنی کنترل اجتماعی از طریق بازداشت، محاکمه، زندان یا اعدام مجرم، مانع ارتکاب جرم و عدم مجازات و مشوق کج‌رفتاری می‌شود. البته اعمال مجازات در صورت مراعات میزان «شدت»، «قطعیت» و «سرعت» لازم هم به‌صورت عام مؤثر می‌افتد و سبب بازداشتن عامه مردم از ارتکاب جرم می‌شود و هم‌چنین به‌شکل خاص عمل می‌کند و شخص کج‌رفتار را از ادامه کج‌رفتاری باز می‌دارد. فرض این نظریه این است که هر چه شدت، قطعیت و سرعت اعمال مجازات بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز بیشتر خواهد بود (تیو¹، 2010: 29)، به‌عبارتی دیگر می‌توان گفت زمانی که نیروهای بازدارنده در انجام وظیفه خود چه قبل از ارتکاب جرم و چه بعد از آن، از قطعیت و سرعت عمل برخوردار باشند، این امر به‌عنوان یک نیروی خطرآفرین برای افراد محسوب می‌شود که قصد ارتکاب جرم را دارند.

امنیت هستی‌شناختی گیدنز²

توجه به امنیت هستی‌شناختی از آن جهت است که مفهوم سرقت، در حقیقت تلاش غیرقانونی برای کسب چیزی است که فرد آن را ندارد و امنیت هستی‌شناختی نیز مرتبط با تداوم هویت در محیط اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند. امنیت هستی‌شناختی و تشویش و نگرانی وجودی، دو عنصر ضروری و اساسی نظریه وجود انسانی گیدنز هستند. به‌نظر گیدنز، امنیت هستی‌شناختی عبارت است از: «احساس ایمنی اساسی فرد در جهان که شامل اعتماد و اطمینان پایه‌ای و اولیه سایر مردم نیز می‌شود. جلب چنین اعتماد و اطمینانی برای این‌که شخص احساس آرامش روانی خود را حفظ کند و از تشویش و نگرانی جلوگیری کند، ضروری و حیاتی است»، به‌عبارت دیگر امنیت هستی و وجود نوعی اطمینان از این‌که جهان آن‌گونه باید باشد. اعتماد سایر افراد نیز به مثابه ایجاد مصونیت احساسی و هیجانی در برابر تشویش‌ها و نگرانی‌های وجودی است. در واقع امنیت هستی‌شناختی، حفاظت و حراست از تهدیدات آتی است که به فرد امکان و

1-Thio

2-Giddens

اجازه را می‌دهد تا امید و شهامت خود را در برابر هر نوع شرایط مخرب و تضعیف‌کننده‌ای که در آینده با آن مواجه شود، حفظ کند (گیدنز، 1378: 66).

امنیت وجودی یکی از صور مهم احساس امنیت تلقی شده است. این اصطلاح به اطمینانی مربوط است که بیشتر اشخاص به تداوم هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی در اطراف خود کنش دارند. از این نظر، این امنیت پدیده‌ای عاطفی است (گیدنز، 1378: 63). این احساس امنیت که در رابطه نوزاد با والدین ریشه دارد، امری عاطفی و زمینه ناخودآگاه است. به نظر وینیکات¹، کودک «همواره بر لب اضطرابی غیر قابل تصور» قرار دارد. کودک نو رسیده هنوز «هستی» نیست، بلکه «هست‌شونده‌ای» است که باید در محیط پرورشی خاصی که مراقبانش فراهم می‌آورند به هستی فراخوانده شود. نظم جاری امور روزمره، با پروراندن مفهوم معینی از «هستی» و تفکیک آن از «ناهستی» به ایجاد نوعی «قالب مشخص» برای وجود داشتن، یاری می‌رساند و این سرآغاز احساس امنیت وجودی است. احساسی که جهت‌گیری به سوی وجوه معینی از دنیای عینی را نیز ممکن می‌سازد و بقایای نمادین آن را به دوره‌های بعدی زندگی فرد منتقل می‌سازد. بنابر اصطلاح خاص وینیکات، «اشیاء گذرگاهی» فضایی بالقوه را هم‌چون پلی، بین کودک و مراقبان او به‌وجود می‌آورند. این نخستین اشیای «غیر از من»، مانند امور روزمره‌ای که عملاً به‌طور دائم با آن‌ها در تماس‌اند در عین حال، هم برای دفاع در برابر اضطراب به‌کار می‌روند و هم نوعی تجربه نوظهور از دنیای پایدار و متشکل از اشیاء و اشخاص سر و کار دارند. اشیای گذرگاهی از نظر زمانی مقدم بر «آزمون واقعیت» به مفهوم فرویدی آن هستند؛ زیرا بخشی از وسایل محسوسی محسوب می‌شوند که کودک به یاری آن‌ها از مرحله قادر مطلق بودن به مرحله کنترل دنیای عینی از طریق دست‌کاری راه می‌یابد (گیدنز، 1378: 64).

اعتمادی که کودک در وضع و حال عادی نسبت به مراقبان خود ابراز می‌دارد، در حقیقت نوعی مایه‌کوبی عاطفی در برابر تهدیدها و خطرهای آینده که به فرد امکان می‌دهد تا در رویارویی با انواع و اقسام پیشامدهای ناگوار زندگی اجتماعی امیدواری و شهامت خود را حفظ کند. اعتماد بنیادین، در ارتباط با خطرهای احتمالی یا واقعی ناشی از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل، هم‌چون غربال عمل می‌کند و به‌طور کلی،

پشت‌بند عاطفی نوعی پوسته محافظ یا پیلۀ حمایتی است که همه افراد عادی در جریان رویارویی با مسائل زندگی، خود را در پناه آن قرار می‌دهند (گیدنز، 1378: 65).

شیرازۀ زندگی چه به مفهوم جسمانی و چه به مفهوم روان‌شناختی آن، به‌طور ذاتی در معرض خطرهای احتمالی قرار دارد. این واقعیت که رفتار آدمی به‌شدت تحت تأثیر تجربه با واسطه قرار می‌گیرد، همراه با قابلیت‌های حساب‌گرانه‌ای که عوامل انسانی از آن برخوردارند، القا کننده این معنا است که هر انسانی ممکن است در برابر اضطراب‌های ناشی از شغل خطیر «زیستن» از پا درآید. آن مفهوم «آسیب‌پذیری» که احتمالات منفی را، به نفع نوعی حالت امیدواری کلی، مردود می‌شمارد در حقیقت از اعتماد بنیادین الهام می‌گیرد (گیدنز، 1378: 66).

همه افراد، براساس امور گوناگون روزمره، چارچوب معینی برای تضمین امنیت وجودی خود دست و پا می‌کنند. مردم، بر حسب فرمول عاطفی و رفتاری خاصی که به‌صورت جزئی از رفتار و اندیشه هر روزۀ آن‌ها در می‌آید، با خطرهای مختلف و بیم و هراس‌های متصور از آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. احساس امنیت در آغاز معلول رفتارهای پرورشی مراقبان کودک است و این امر، حساسیت کودک در برابر تأیید یا عدم تأیید والدین تعبیر می‌شود. اضطراب از خلال احساس حقیقی یا تخیلی مخالفت یا عدم تأیید مخالفت دیگران است. اضطراب هم‌چون تجربه‌ای کیهانی در مورد واکنش‌های دیگران، احساس می‌شود و هنگامی که نوعی نظام امنیتی اساسی شکل می‌گیرد به هسته مرکزی خود حمله‌ور می‌شود. به‌همین دلیل است که فرد به دشواری می‌تواند موضوع مشخصی برای اضطراب خود پیدا کند. فقط بر اساس امنیت وجودی است که شخص وجود خود را در ارتباط با دنیایی متشکل از آدم‌ها و اشیاء تجربه می‌کند؛ دنیایی که از طریق اعتماد بنیادین شناسایی شده و سازمان‌یافته است (گیدنز، 1378: 71).

براساس این نظریه می‌توان گفت که امنیت وجودی این امکان را به فرد می‌دهد که در برابر انواع و اقسام پیشامدهای ناگوار زندگی اجتماعی شهامت خود را حفظ کند و اطمینان داشته باشد که مورد حمایت والدین و اطرافیان قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

هوشمند و موشکاف (1381)، پژوهشی با عنوان «پدیده سرقت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در استان کردستان (1376-1377)» انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داده که محرومیت نسبی در گذشته و دست نیافتن به پایگاه اجتماعی مورد انتظار از عوامل اساسی است که افراد به سمت گروه‌های منحرف و مجرم و ارتکاب سرقت سوق می‌دهد، هم‌چنین در این تحقیق بین کافی نبودن درآمد خانواده و فرار از منزل در دوران کودکی، با سرقت رابطه معنی‌داری وجود داشته است.

عطاشنه و دیگران (1385)، پژوهشی با عنوان «علل و عوامل جرم سرقت در شهر اهواز در سال‌های 75-1385» انجام داده‌اند. روش تحقیق، میدانی بوده است. نمونه آماری شامل 50 نفر محکوم به مجازات سرقت که در زندان اهواز زندانی بودند و 50 نفر از شهروندان به صورت تصادفی انتخاب شده است. سپس سؤالات پرسش‌نامه میان دو گروه توزیع و پاسخ‌ها مقایسه شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سرقت و اعتیاد، محل سکونت، جمعیت خانوار، وضعیت مالی و سواد رابطه معنی‌داری وجود داشته است. هم‌چنین بیشترین سرقت، سرقت از منزل و کیف‌زنی و کمترین آن، راهزنی بوده است.

میرساردو و همکاران (1389) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش مشارکت‌های مردمی در پیشگیری از سرقت منزل در شهر سمنان» انجام داده‌اند. روش تحقیق اسنادی، پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه با سؤالات بسته و باز است. جامعه آماری و نمونه منطبق بر یکدیگر و دربر گیرنده 1000 رؤسای انتظامی شهرستان سمنان، مدیران و مسئولان دواير کلاتری‌ها است. نتایج حاکی از آن است که بین آموزش شهروندان در زمینه پیش‌گیری از سرقت منزل، رشد فرهنگی شهروندان در مشارکت، نوع برخورد پلیس با مردم، استفاده بیشتر شهروندان از فناوری جدید امنیت منزل، احساس مردم از داشتن پلیس مقتدر، اطلاع کافی شهروندان از تأثیر عینی مشارکت در ارتقای امنیت، عملکرد پلیس در زمینه پیش‌گیری از سرقت منزل و مشارکت عمومی با پلیس در پیش‌گیری از سرقت، رابطه وجود دارد.

شیرزاد و همکاران (1390)، پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر سرقت‌های مسلحانه کشف نشده در استان کرمان 89-1388» انجام داده‌اند. نوع تحقیق کاربردی و روش تحقیق توصیفی - پیمایشی است. در ارزیابی شاخص‌ها از ابزار مصاحبه با نخبگان، بررسی اسناد، مشاهده و پرسش‌نامه در گروه شغلی و مسئولیتی مقامات دولتی شاغل در محدوده جغرافیای تحقیق استفاده شده است. روش نمونه‌گیری و جامعه آماری در این پژوهش 148 نفر از کارکنان پلیس آگاهی و تعداد 10 نفر مقام قضایی را شامل می‌شود. اطلاعات لازم از پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین هدایت عملیاتی مناسب، اقدامات اطلاعاتی، استفاده از فناوری نوین و مدیریت زمان در کشف سرقت‌های مسلحانه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

آلیسو¹ و استولزنبرگ² (1990) پژوهش با عنوان «بررسی جرم آسان، محیط و آسانی سرقت از فروشگاه‌ها در کشور اسپانیا» انجام داده‌اند. آنها جنبه‌های فیزیکی و آسانی سرقت‌ها را مد نظر قرار داده و 30 مورد از فروشگاه‌های لیون که مورد دستبرد قرار گرفته بودند را مورد ارزیابی قرار دادند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که اندازه پارکینگ، درجه بی‌نظمی اجتماعی درون فروشگاه‌ها، مقدار ساعات گشوده بودن آن، با دشواری یا آسانی انجام سرقت، در رابطه است.

وار³ (1988) درباره زمینه‌ها و فرصت‌ها برای تجاوز به عنف و سرقت شبانه از منزل، در ایالات متحده آمریکا به تحقیق پرداخته است. محقق بیان می‌کند که اگرچه غالباً تجاوز جزو جرایم خیابانی می‌باشد، اما بسیار مشاهده شده که افراد تبهکار به‌طور غیر قانونی وارد خانه‌ها شده و مرتکب تجاوز به عنف و سرقت شبانه می‌شوند. وی سپس این نکته را با مهندسی خانه‌ها و کیفیت بناها با داشتن حیاط مشترک در ارتباط می‌داند، که این مسئله زمینه‌ساز بوده و فرصتی برای انجام اعمال مجرمانه می‌باشد. محقق به این نتیجه رسیده که صاحبان خانه‌ها و مکان بیشتر در معرض تجاوز به عنف بوده‌اند تا سرقت‌های شبانه.

1- Alessio

2- StolzenBerg

3 -Warr

استوتامر¹ و دیگران (2002)، در پژوهشی با عنوان «کدام عوامل خانوادگی و جمعیت‌شناختی با بدرفتاری و بزه‌کاری جوانان رابطه دارند؟» به بررسی عوامل خانوادگی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر بزه‌کاری و بدرفتاری جوانان پرداخته‌اند. 500 نفر که 250 نفر آنها دارای رفتار ضد اجتماعی بودند و 250 نفر از افراد عادی به‌عنوان گروه کنترل به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط زیادی بین بدرفتاری در دوران کودکی و نوجوانی و بزه‌کاری در دوره جوانی وجود دارد، هم‌چنین داشتن سرپرست بیکار خطر بدرفتاری را افزایش می‌دهد.

باربارا² (2007)، پژوهشی با عنوان «سرقت‌هایی با تیراندازی» انجام داده است. وی سرقت‌هایی که در 20 شهر آمریکا در طی سال‌های 2003 و 2004 اتفاق افتاده، مورد مطالعه قرار داده است. او بیان می‌کند که محققان بیشتر به کمیت و اعداد و ارقام سرقت می‌پردازند و باید علاوه بر کمیت به کیفیت جرم (شخصیت اصلی جرم، نقشه جرم و خرده فرهنگ آن) پرداخت، به این نتیجه رسید که سارقان دارای گروه‌هایی با خرده فرهنگ خاص هستند، هم‌چنین وجود پلیس و نیروهای امنیتی باعث کاهش سرقت‌های با تیراندازی می‌شود.

بارتن³ و همکاران (2010)، پژوهشی با عنوان «سرقت‌های گروهی و تکی» در آفریقا انجام داده‌اند. آنها به مصاحبه فرد مجرم و محبوس در زندان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند، سرقت‌هایی که به‌صورت گروهی انجام می‌گیرد، بیشتر به نتیجه می‌رسد و افراد گروه از محل جرم و نقشه جرم آگاهی دارند. آگاهی و تعاون و همکاری اعضای گروه سبب موفقیت آنها می‌شود.

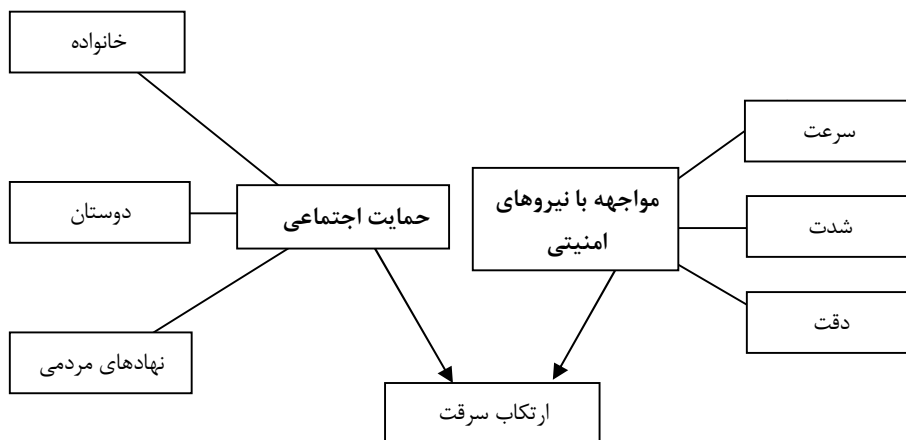
در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور منابع تجربی می‌توان گفت با وجود این‌که تحقیقات علمی درخور توجهی در مورد سرقت، انجام شده، اما در این تحقیقات کمتر به احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی و حمایت اجتماعی اشاره شده است، هم‌چنین تحقیقی با این عنوان در شهر یاسوج انجام نشده است. این تحقیق قصد توجه به این عوامل را دارد.

1-Stouthamer

2-Barbara

3-Burton

مدل تحلیلی تحقیق



بر اساس مدل فوق، فرضیه‌های تحقیق در ادامه آورده می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق

- 1- بین احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی (سرعت، شدت و قطعیت) ارتکاب به سرقت جوانان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- 2- بین حمایت‌های اجتماعی (خانواده، دوستان و نهادهای مردمی) و ارتکاب به سرقت جوانان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر، به دلیل ماهیت مقایسه‌ای بودن از روش تحقیق علی-مقایسه‌ای استفاده شده است. در این تحقیق هم‌چنین از روش همبستگی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شده است. از آنجاکه پژوهش حاضر ارتکاب به سرقت را در بین جوانان مد نظر قرار داده است، تعیین سن جوانی لازم به نظر می‌رسد. بر اساس مطالعات انجام گرفته تعریفی مشخص و واحد از جوان در نظام‌های بین‌المللی و نظام ملی وجود ندارد، به عبارت دیگر با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی کشورها نسبی بوده و تعیین آن بر اساس نگاه

مدیریتی هر کشور تعیین می‌شود. بر اساس مصاحبه با معاون امور جوانان مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی گفته شده که وزارت کشور، 18 تا 35 سالگی را به‌عنوان دامنه سنی جوان در نظر گرفته است (پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان، 1392)؛ در این پژوهش، جوانان افراد 18 تا 35 سال در نظر گرفته شده‌اند، اما با بررسی‌های مقدماتی به‌عمل آمده، محقق دریافت که افراد مجرم در زندان در فاصله سنی 18 تا 33 سال قرار داشتند. در این پژوهش نمونه آماری به علت مقایسه‌ای بودن روش تحقیق، از دو جامعه تشکیل شده است؛ کلیه جوانان شهر یاسوج که با حکم قضایی در سال 1392 در زندان هستند که بر اساس مراجعه به اداره زندان‌ها جوانان سارق دستگیر شده در فاصله سنی 18 تا 33 ساله بوده‌اند و مردم عادی که در این فاصله سنی قرار دارند و تاکنون مرتکب سرقت نشده‌اند، به‌عنوان گروه مقایسه انتخاب شده‌اند. در این تحقیق، نمونه شامل 120 نفر جوان 18 تا 33 ساله در نظر گرفته شد که نوعی همه‌شماری محسوب می‌شود، زیرا تمام افرادی که به جرم سرقت و به حکم قضایی در زندان شهر یاسوج، محبوس بوده‌اند را شامل می‌شود، هم‌چنین از آنجا که محکومین به سرقت بیشتر در ناحیه 3 (دولت آباد، شهرک امام حسین(ع)، شرف آباد) و زیر تل از ناحیه 4 بوده‌اند، اکثر افراد عادی متناسب با ویژگی‌های افراد مورد مقایسه در زندان از این مناطق بودند. ویژگی‌هایی چون تحصیلات، شغل، منطقه محل سکونت و سن برای هر دو گروه مشترک می‌باشد.

پژوهش حاضر دارای یک متغیر وابسته تحت عنوان ارتکاب سرقت و دو متغیر مستقل می‌باشد. برای عملیاتی کردن متغیر وابسته، به‌دلیل علی-مقایسه‌ای بودن روش تحقیق، دو گروه محکومین به سرقت و عدم محکومین به سرقت به‌عنوان دو دسته مورد مطالعه در نظر گرفته شده است

متغیرهای مستقل تحقیق شامل مواجهه با نیروهای امنیتی و حمایت اجتماعی است. نیروهای امنیتی حافظ نظم در هر جامعه‌ای حضور دارند و برای هر مسئله امنیتی نیز ارگان مرتبط با آن وارد عمل می‌شود. پلیس یکی از سازمان‌های رسمی کنترل اجتماعی نهاد حکومتی است که در راستای پاسخ به یک نیاز اساسی یعنی حفظ امنیت اجتماعی ایجاد شده است. برای سنجش متغیر مواجهه شدن با نیروهای امنیتی با سه بعد شدت، سرعت و قطعیت از 9 گویه مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش متغیر

حمایت اجتماعی از 8 گویه برای حمایت اجتماعی خانواده و 8 گویه برای حمایت اجتماعی دوستان و 6 گویه برای حمایت اجتماعی نهادهای مردمی استفاده شد.

منظور از اعتبار یک تحقیق، میزان دقت شاخص‌ها و معیارهایی است که در راه سنجش پدیده مورد نظر تهیه شده‌اند (ساروخانی، 1375: 186)، برای همین منظور سعی شد از روش اعتبار صوری از نظرات محققان و اساتید مجرب استفاده شود. به این ترتیب پرسش‌نامه این تحقیق از نوعی اعتبار صوری برخوردار است. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که در جدول ذیل آلفای مربوط به دو متغیر تحقیقی آورده می‌شود.

جدول شماره (2): ضریب آلفای کرونباخ مربوط به مقیاس‌های تحقیق

مقدار آلفا	متغیر
0/86	حمایت اجتماعی (مجموع)
0/88	حمایت خانواده
0/76	حمایت دوستان
0/81	حمایت نهادهای مردمی
0/86	احتمال مواجهه شدن با نیروی امنیتی
0/82	سرعت
0/89	شدت
0/64	قطعیت

برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها، ابتدا از آزمون تفاوت میانگین برای پی بردن به تفاوت یا عدم تفاوت معنی‌دار دو متغیر مستقل در دو گروه مورد مطالعه استفاده می‌شود، سپس در صورت معنی‌دار بودن از رگرسیون لجستیک برای تعیین احتمال وقوع پدیده (ارتکاب سرقت) استفاده می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

تحقیق حاضر به بررسی احتمال ارتکاب سرقت پرداخته است. با توجه به این‌که دو گروه محکومان به سرقت و عدم محکومان به سرقت مورد مطالعه قرار گرفتند، در ادامه

مشخصات این دو گروه بر حسب یک‌سری متغیرهای زمینه‌ای که تلاش شده هر دو گروه ویژگی‌های مشابهی از این حیث داشته باشند آورده می‌شود.

جدول شماره (3): توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب سن به تفکیک ارتکاب سرقت

ارتکاب سرقت		افراد عادی		محکومین به سرقت		کل
سن	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
18-22	26	21/7	25	20/8	51	21/2
23-27	51	42/5	50	41/7	101	42/1
28-33	43	35/8	45	37/5	88	36/7
جمع	120	100	120	100	240	100

جدول شماره (4): نمونه مورد مطالعه بر حسب منطقه محل سکونت به تفکیک ارتکاب سرقت

ارتکاب سرقت		افراد عادی		محکومین به سرقت		کل
منطقه سکونت	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
دولت‌آباد	24	20	24	20	48	20
شرف‌آباد	21	17/5	21	17/5	42	17/5
زیر تل	22	18/3	22	18/3	44	18/3
امام حسین	30	25	30	25	60	25
تل زالی	23	19/2	23	19/2	46	19/2
جمع	120	100	120	100	240	100

جدول شماره (5): نمونه مورد مطالعه بر حسب تحصیلات پاسخ‌گو به تفکیک ارتکاب سرقت

ارتکاب سرقت		افراد عادی		محکومین به سرقت		کل
تحصیلات پاسخ‌گو	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
راهنمایی و متوسطه	38	31/7	37	30/8	75	31/2
دیپلم	42	35	43	35/8	85	35/4
فوق دیپلم	27	22/5	27	22/5	54	22/5
لیسانس و فوق لیسانس	13	10/8	13	10/8	26	10/8
جمع	120	100	120	100	240	100

یافته‌های استنباطی

بررسی میانگین احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی بین محکومین به سرقت و افراد عادی

نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین در جدول زیر نشان می‌دهد که، میانگین احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی در بین افراد عادی برابر با $34/8$ و در محکومین به سرقت برابر با $29/6$ بوده است؛ بنابراین با توجه به مقدار $t = 5/3$ و سطح معنی‌داری که برابر است با $\text{Sig} = 0/000$ ، بین محکومین به سرقت و افراد عادی به‌لحاظ احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی تفاوت معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقدار میانگین به‌دست آمده برای هر دو گروه می‌توان گفت افراد عادی نسبت به محکومین به سرقت احتمال بیشتری می‌دهند که در صورت انجام رفتاری خلاف، با نیروی‌های امنیتی مواجهه شوند، هم‌چنین تفاوت میانگین هر یک از ابعاد متغیر احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی در بین محکومین به سرقت و افراد عادی به‌شرح زیر می‌باشد.

میانگین سرعت عمل نیروهای امنیتی در بین افراد عادی برابر با $12/1$ و در محکومین به سرقت برابر با $10/6$ بوده است؛ بنابراین با توجه به مقدار $t = 4/3$ و سطح معنی‌داری که برابر است با $\text{Sig} = 0/000$ ، بین محکومی به سرقت و افراد عادی به‌لحاظ توجه به سرعت عمل نیروهای امنیتی تفاوت معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقدار میانگین به‌دست آمده برای هر دو گروه می‌توان گفت افراد عادی از احتمال مواجهه با سرعت عمل نیروهای امنیتی بیشتر می‌دانند.

میانگین احتمال مواجهه با شدت عمل نیروهای امنیتی در بین افراد عادی برابر با $11/9$ و در بین محکومین به سرقت برابر با $9/6$ بوده است؛ بنابراین با توجه به مقدار $t = 5$ و سطح معنی‌داری که برابر است با $\text{Sig} = 0/000$ ، بین محکومین به سرقت و افراد عادی به‌لحاظ احتمال مواجهه با شدت عمل نیروهای امنیتی تفاوت معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقدار میانگین به‌دست آمده برای هر دو گروه می‌توان گفت افراد عادی احتمال مواجهه با شدت عمل نیروهای امنیتی بیشتر می‌دانند.

میانگین احتمال مواجهه با قطعیت نیروهای امنیتی در بین افراد عادی برابر با $10/7$ و در بین محکومین به سرقت برابر با $9/5$ بوده است؛ بنابراین با توجه به مقدار $t = 3/2$ و سطح معنی‌داری که برابر است با $\text{Sig} = 0/000$ ، بین محکومین به سرقت و افراد عادی به‌لحاظ احتمال مواجهه با قطعیت نیروهای امنیتی تفاوت معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقدار میانگین به‌دست آمده برای هر دو گروه می‌توان گفت افراد عادی احتمال مواجهه

با قطعیت نیروهای امنیتی بیشتر می‌دانند. در این بین با توجه به میانگین‌های به‌دست آمده می‌توان گفت، توجه به سرعت عمل بیشتر از توجه به شدن و قطعیت بوده است جدول شماره (6): آزمون مقایسه تفاوت میانگین احتمال مواجهه با نیروی‌های امنیتی پاسخ‌گویان بر

حسب سارق و غیرسارق بودن

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری t
احتمال مواجهه با نیروی‌های امنیتی	افراد عادی	120	34/8	5/3	0/000
	محکومین به سرقت	120	29/6		
سرعت	افراد عادی	120	12/1	4/3	0/000
	محکومین به سرقت	120	10/4		
شدت	افراد عادی	120	11/9	5	0/000
	محکومین به سرقت	120	9/6		
قطعیت	افراد عادی	120	10/7	3/2	0/002
	محکومین به سرقت	120	9/5		

بررسی میانگین حمایت اجتماعی بین محکومین به سرقت و افراد عادی

نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین در جدول زیر نشان می‌دهد که، میانگین حمایت اجتماعی در بین افراد غیر سارق برابر با $70/6$ و در محکومین به سرقت برابر با $56/3$ بوده است؛ بنابراین با توجه به مقدار $t = 10/4$ و سطح معنی‌داری که برابر است با $\text{Sig} = 0/000$ ، بین محکومین به سرقت و افراد عادی به‌لحاظ حمایت اجتماعی تفاوت معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقدار میانگین به‌دست آمده برای هر دو گروه می‌توان گفت افراد غیر سارق از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار بوده‌اند، هم‌چنین تفاوت میانگین هر یک از ابعاد متغیر حمایت اجتماعی در بین محکومین به سرقت و افراد عادی به‌شرح زیر می‌باشد:

میانگین حمایت خانواده در بین افراد عادی برابر با $27/6$ و در محکومین به سرقت برابر با $22/8$ بوده است؛ بنابراین با توجه به مقدار $t = 6/7$ و سطح معنی‌داری که برابر است با $\text{Sig} = 0/000$ ، بین افراد سارق و غیرسارق به‌لحاظ حمایت خانواده تفاوت معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقدار میانگین به‌دست آمده برای هر دو گروه می‌توان گفت افراد عادی از حمایت بیشتری از طرف خانواده برخوردار بوده‌اند.

میانگین حمایت دوستان در بین افراد عادی برابر با $24/9$ و در محکومین به سرقت برابر با $22/2$ بوده است؛ بنابراین با توجه به مقدار $t = 4/1$ و سطح معنی‌داری که برابر است با $\text{Sig} = 0/000$ ، بین محکومین به سرقت و افراد عادی به لحاظ حمایت دوستان تفاوت معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقدار میانگین به دست آمده برای هر دو گروه می‌توان گفت افراد عادی از حمایت بیشتری از طرف دوستان برخوردار بوده‌اند.

میانگین حمایت نهادهای مردمی در بین افراد عادی برابر با $18/1$ و در بین محکومین به سرقت برابر با $11/2$ بوده است؛ بنابراین با توجه به مقدار $t = 10/6$ و سطح معنی‌داری که برابر است با $\text{Sig} = 0/000$ ، بین محکومین به سرقت و افراد عادی به لحاظ حمایت نهادهای مردمی تفاوت معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقدار میانگین به دست آمده برای هر دو گروه می‌توان گفت افراد عادی از حمایت بیشتری از طرف نهادهای مردمی برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره (7): آزمون تفاوت میانگین بین حمایت اجتماعی و ابعاد آن بر حسب محکومیت به سرقت

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین نمره حمایت اجتماعی	مقدار t	سطح معنی‌داری t
حمایت اجتماعی	افراد عادی	120	70/6	10/4	0/000
	محکومین به سرقت	120	56/3		
حمایت خانواده	افراد عادی	120	27/6	6/7	0/000
	محکومین به سرقت	120	22/8		
حمایت دوستان	افراد عادی	120	24/9	4/1	0/000
	محکومین به سرقت	120	22/2		
حمایت نهادهای مردمی	افراد عادی	120	18/1	10/6	0/000
	محکومین به سرقت	120	11/3		

با توجه به بررسی تفاوت میانگین‌ها در جداول قبل مشخص شد که بین دو گروه محکوم به سرقت و افراد عادی از حیث حمایت اجتماعی و مواجهه با نیروهای امنیتی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ بر این اساس در ادامه احتمال ارتکاب سرقت با استفاده از آزمون لجستیک از دو گروه مورد مطالعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد بین حمایت اجتماعی و ارتکاب سرقت رابطه معنی‌دار وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول زیر، با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{Sig} = 0/000$)، متغیر مستقل وارد شده در تحلیل رگرسیونی، قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است و توانایی پیش‌بینی آن در سطح خطای کوچک‌تر از $0/001$ معنی‌دار می‌باشد. بر اساس نتایج جدول، نسبت بخت‌ها برابر است با ($0/880$) که نشان می‌دهد با افزودن شدن یک واحد به میزان حمایت اجتماعی (به طور کلی) به اندازه 12 درصد از احتمال ارتکاب سرقت کم می‌شود.

از آن‌جا که متغیر حمایت اجتماعی در مجموع دارای سه بعد حمایت اجتماعی خانواده، حمایت دوستان و حمایت نهادهای مردمی تقسیم شده است، رابطه هر یک از این ابعاد با احتمال ارتکاب به سرقت مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که رابطه هر سه بعد با احتمال ارتکاب به سرقت معنی‌دار و با توجه به مقدار بتا برای هر سه بعد منفی و معکوس می‌باشد. نسبت برتری برای هر یک از آنها به ترتیب برابر با $0/85$ ، $0/9$ و $0/78$ است. می‌توان گفت، به ازای یک واحد افزایش به میزان متغیرهای مستقل حمایت خانواده، حمایت دوستان و حمایت نهادهای مردمی، به ترتیب به میزان 15% ، 10% و 22% ، احتمال ارتکاب سرقت کاهش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت از سه بعد حمایت‌های اجتماعی، نقش حمایت‌های مردمی در کاهش احتمال ارتکاب سرقت بیشتر است.

جدول شماره (8): میزان تأثیر حمایت اجتماعی و ابعاد آن در تبیین متغیر ارتکاب سرقت

متغیر	وزن بتا (Beta)	انحراف معیار	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نسبت برتری (Exp)
حمایت اجتماعی (مجموع)	-0/128	0/017	55/523	1	0/000	0/880
حمایت اجتماعی خانواده	-0/162	0/028	32/714	1	0/000	0/85
حمایت دوستان	-0/107	0/028	14/945	1	0/000	0/90
حمایت نهادهای مردمی	-0/249	0/032	59	1	0/000	0/78

- به نظر می‌رسد بین احتمال مواجهه با نیروی‌های امنیتی و ارتکاب سرقت رابطه معنی‌دار وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول زیر، با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{Sig} = 0/000$)، متغیر مستقل وارد شده در تحلیل رگرسیونی، قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است و توانایی پیش‌بینی آن در سطح خطای کوچکتر از $0/001$ معنی‌دار می‌باشد. بر اساس نتایج جدول، نسبت برتری برابر با $(0/91)$ است که به 1 واحد افزایش در احتمال مواجهه با نیروی‌های امنیتی به میزان 9 درصد، احتمال ارتکاب سرقت کاهش می‌یابد. از آنجایی که متغیر احتمال مواجهه با نیروی‌های امنیتی در مجموع دارای سه بعد، سرعت، شدت و قطعیت می‌باشد، رابطه هر یک از این ابعاد با احتمال ارتکاب به سرقت مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که رابطه هر سه بعد با احتمال ارتکاب به سرقت معنی‌دار و با توجه به مقدار بتا برای هر سه بعد منفی و معکوس می‌باشد. نسبت برتری برای هر یک از ابعاد سرعت، شدت و قطعیت به ترتیب برابر با $0/83$ ، $0/82$ و $0/87$ می‌باشد که به ازای یک واحد افزایش به میزان متغیرهای مستقل سرعت، شدت و قطعیت، به ترتیب به میزان تقریباً 17 ، 18 و 13 درصد، احتمال ارتکاب سرقت کاهش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت توجه به احتمال سرعت عمل نیروهای امنیتی در کاهش احتمال ارتکاب سرقت بیشتر بوده است.

جدول شماره (9): میزان تأثیر احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی در تبیین متغیر ارتکاب سرقت

متغیر	وزن بتا (Beta)	انحراف معیار	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نسبت برتری (Exp)
احتمال مواجهه با نیروی‌های امنیتی	-0/092	0/019	22/8	1	0/000	0/91
سرعت	-0/192	0/047	16/4	1	0/000	0/82
شدت	-0/188	0/041	20/9	1	0/000	0/83
قطعیت	-0/138	0/045	9/6	1	0/000	0/87

برازش مدل:

جدول شماره (10): آماره‌های اختصاصی مدل پیش‌بینی

مرحله	آماره خی دو Chi-squar4	درجه معنی‌داری	درجه آزادی	آماره صحت پیش‌بینی	Nagelkerke R square	Cox &snell R square	Log like kihood
2	14/9	0/000	1	96/2	/91	0/65	56/3

نتایج مربوط به دو آماره لگاریتم درست‌نمایی¹ و صحت پیش‌بینی می‌کند مقادیر هر دو آماره در حد مطلوبی قرار دارد و می‌توان به ضریب تعیین تکیه کرد. ضریب تعیین در حد بالا و پایین برابر با (0/91 و 0/65) است؛ بر این اساس می‌توان گفت دو متغیر شرح داده شده در جدول فوق بین 65 تا 91 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند، که به‌لحاظ آماری معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که عوامل متعددی در ارتکاب سرقت مؤثر است. هدف این پژوهش بررسی رابطه احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی و حمایت اجتماعی در ارتکاب به سرقت بوده است.

آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین حمایت اجتماعی و ارتکاب به سرقت رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که با افزایش حمایت اجتماعی توسط خانواده، دوستان و نهادهای مردمی احتمال ارتکاب سرقت کاهش می‌یابد. از آنجایی که حمایت اجتماعی نوعی امنیت هستی‌شناختی را به بار می‌آورد، می‌توان گفت این امنیت، نیاز فرد به ارتکاب سرقت را کاهش می‌دهد، چراکه فرد برای حیات خود نیاز کمتری به ارتکاب سرقت می‌بیند. گیدنز بیان می‌کند امنیت هستی‌شناختی یعنی حفاظت و حراست از تهدیدهای آتی است که به فرد این امکان را می‌دهد تا امید و شهادت خود را در برابر هر نوع شرایط مخرب و تضعیف‌کننده‌ای که شاید در آینده با آن مواجه شود را حفظ کند. این امنیت در دوران کودکی شروع و با وارد شدن به نوجوانی و جوانی نیز در فرد این امنیت است. وقتی فرد احساس می‌کند که والدین و اطرافیان از او حمایت نمی‌کنند، در حقیقت امنیت

1- Log-likelihood

وجودی وی به تشویش تبدیل شده است؛ در نتیجه خود در تلاش برای ایجاد یک امنیت وجودی حداقلی بر می‌آید که می‌تواند این تدارک امنیت وجودی با ارتکاب سرقت و به‌دست آوردن آن‌چه از طریق سرقت کسب کرده رخ دهد.

ارتکاب سرقت عملی است که در نتیجه نداشتن یک چیز و میل به دست یافتن آن صورت می‌گیرد. حال اگر امکان دستیابی به آن چیز به روشی غیر از ارتکاب سرقت می‌توانست ممکن باشد، به ارتکاب سرقت بر افراد به‌وجود نمی‌آمد. زمانی که فرد امکان دستیابی به آن چیز از گذر شایستگی یا از گذر بده و بستان‌های موجود که همان راه‌های نهادینه شده است، نتواند به‌دست آورد، مرتکب انحراف می‌شود. برای یک جوان وجود حمایت اجتماعی می‌تواند یک ابزار برای نیل، محسوب شود. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق یحیی زاده و همکاران (1388) که نشان داد بین حمایت‌های گروهی و خانواده در بین دو گروه سارق و غیرسارق تفاوت معنی‌دار وجود دارد، منطبق است. بر اساس نتایج جزئی به‌دست آمده، برخورداری از حمایت نهادهای مردمی می‌تواند نقش مهم‌تری به‌عنوان یک حمایت اجتماعی نسبت به حمایت دوستان و خانواده در کاهش احتمال ارتکاب سرقت ایفاء کند. در حقیقت در جامعه‌ای که پویایی اجتماعی بیشتر است و نهادهای مردمی به‌عنوان حلقه‌های واسط حضور دارند، نوعی احساس امنیت و نیز تزریق امید به زندگی بهتر در جامعه به‌وجود می‌آید که می‌تواند در جذب جوانان و دور کردن آنها از رفتارهای انحرافی چون سرقت ایفای نقش کند. این در حالی است که یک جوان دیگر تنها خود را در محدوده حمایت‌های حداقلی خانواده و دوستان نمی‌بیند و با مشارکت در نهادهای مردمی یک تعلق اجتماعی به‌دست می‌آورد که در او، میل به زندگی مفیدتر و سازنده‌تر را می‌تواند زنده کند.

دومین فرضیه مربوط به بررسی رابطه بین احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی و ارتکاب سرقت بود و نشان داد که این رابطه معنی‌دار است. بر اساس دکترین بازدارندگی، کنترل اجتماعی رسمی بر عدم ارتکاب جرم مؤثر است؛ چراکه فرض اساسی این نظریه آن است که انسان‌ها اساساً عقلانی عمل می‌کنند. دکترین بازدارندگی بر کنترل اجتماعی رسمی تأکید دارد که به‌وسیله قضاوت و سایر عوامل اجرای قانون اعمال می‌شود. مجازات یعنی کنترل اجتماعی از طریق بازداشت، محاکمه، زندان یا اعدام مجرمان است. البته اعمال مجازات در صورت مراعات میزان

شدت، قطعیت و سرعت لازم هم به صورت عام مؤثر می‌افتد و سبب بازداشتن عامه مردم از ارتکاب جرم می‌شود و هم به شکل خاص عمل می‌کند و شخص کجرفتار را از ادامه کجرفتاری باز می‌دارد (تایو¹، 2001: 29)

این یافته تحقیق با نتایج تحقیق میرساردو و همکاران (1389) که نشان داد بین احساس مردم از داشتن پلیس مقتدر و عملکرد پلیس و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد و نتایج پژوهش پترسون (2006) که نشان داد بین کنترل اجتماعی رسمی و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد و نتایج پژوهش باربارا (2008) که نشان داد سارقان دارای خرده فرهنگ خاص هستند و وجود پلیس و نیروهای امنیتی باعث کاهش سرقت‌هایی با تیراندازی می‌شود منطبق است. از پلیس انتظار می‌رود که قانون را در جامعه اجرا و باعث آرامش و امنیت در جامعه شود. عملکرد پلیس دارای سه بعد شدت، قطعیت و سرعت است، هر چه شدت و قطعیت و سرعت اعمال مجازات بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز بیشتر است. زمانی پلیس در انجام هر یک از این سه بعد ناموفق باشد، انحراف و کجرفتاری در جامعه رخ خواهد داد. در پژوهش حاضر بعد سرعت عمل پلیس بیش از سه بعد دیگر در کاهش احتمال ارتکاب سرقت تأثیر داشته است. این امر حاکی از آن است که مهم‌تر این است که نیروهای امنیتی بتوانند با سرعت سارقین را دستگیر کرده یا با سرعت عمل خود جلوی موفقیت سارقان در امر ارتکاب سرقت را بگیرند و شدت برخوردها نمایان‌گر موفقیت نیروهای امنیتی در جلوگیری از انحرافات اجتماعی نمی‌باشد.

پیشنهادها

– این پژوهش نشان داد که حمایت اجتماعی رابطه معنی‌داری با ارتکاب سرقت دارد؛ بنابراین توصیه می‌شود از طرفی خانواده‌ها به فرزندان خود توجه بیشتری داشته باشند و حمایت‌های اجتماعی لازم را برای آن‌ها فراهم کنند، به طوری که با ارتباط صمیمی والدین با فرزندان، فرزندان، آنها را به عنوان دوست خود تلقی کنند و به این وسیله حس امنیت وجودی آنها افزایش یابد و نگرانی از آینده کمتر شود. از طرف دیگر توصیه می‌شود که نهادهای مردمی در مناطق مختلف شهر ایجاد شوند تا

1 -Thio

زمینه مشارکت افراد خصوصاً جوانان را در فعالیتهای اجتماعی فراهم آورند، هم-چنین با توجه به اهمیت داشتن حمایت اجتماعی در مورد دوستان، ارتباط با کسانی که می‌توانند به‌نوعی برای فرد به‌عنوان دوست حامی تلقی شوند و نحوه حمایت دوستان از یکدیگر از سوی خانواده با محدودیت مواجه نشود و به جوانان از طریق رسانه آموزش داده شود. برای تحقق این امر لازم است خانواده‌ها و رسانه در دوست-یابی صحیح فرزندان و پرهیز از ارتباط با افراد کج‌رو، کوشا باشند.

— از آن جایی که این پژوهش نشان داد سرعت، شدت و قطعیت احتمال مواجهه با نیروی‌های امنیتی باعث کاهش ارتکاب به سرقت می‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود نیروهای امنیتی اولاً در مکان‌هایی که سرقت بیشتر صورت می‌گیرد، کنترل بیشتری را داشته باشند، ثانیاً در برخورد با افراد سارق سرعت عمل بیشتر داشته باشند. برای تحقق این امر نیازمند است که نیروهای امنیتی از نظر تعداد در هر منطقه مکفی باشد و در انجام وظیفه ضمانت‌های اجرایی برای خود نیروهای امنیتی به‌کار گرفته شود که با قطعیت عمل کنند و از روابط غیر ضابطه‌مند پرهیز کنند.

— هم‌چنین برای نشان دادن قاطعیت نیروهای امنیتی پیشنهاد می‌شود نیروهای امنیتی به کمک رسانه ملی یا محلی، فیلم یا مستندهایی از دستگیری سارقین، شیوه‌های برخورد با افراد سارق و مجازات آنها تهیه و پخش کنند و به این وسیله قاطعیت پلیس را در اجرای وظایف خود به نمایش گذارند.

منابع

- پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان (1392). مصاحبه با معاون امور جوانان مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، 1392/10/8.
- تاج‌زمان، دانش (1368). مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟ تهران: انتشارات کیهان.
- دلاور، علی (1374). میانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. انتشارات رشد.
- ساروخانی، باقر (1375). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: انتشارات علمی.
- سالنامه آماری، مرکز آمار ایران طی سال‌های 1385 تا 1390.
- ستوده، هدایت‌اله (1389). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- شیرزاد، جلال و همکاران (1390). عوامل مؤثر بر سرقت‌های مسلحانه کشف نشده در استان کرمان (1388-1389)، فصلنامه دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره دوم.
- صدارت، علی (1384). حقوق و جرم‌شناسی. چاپ اول ناشر کانون معرفت.
- عبدالرحمانی، حمید (1383). انحرافات، جرم و پیشگیری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره سوم.
- عطاشنه، منصور؛ امیری، مهدی (1385). علل و عوامل جرم در شهر اهواز. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال چهارم، شماره 11، ص 103 - 126.
- عمید، حسین (1359). فرهنگ فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قربان حسینی، علی‌اصغر (1381). جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت. چاپ دوم، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گاجل، رابرت جی (1377). زمینه روان‌شناسی تندرستی. ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- گیدنز، آنتونی (1378). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی چاپ چهارم.
- میرساردو، طاهره؛ حسینی، سیدموسی (1389). بررسی نقش مشارکت‌های مردمی در پیش‌گیری از سرقت منزل. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره 3.

- هوشمند، احسان؛ موشکاف، ناهید (1381). پدیده سرقت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در استان کردستان. مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی، جلد ششم، تهران: آگه.
- یحیی‌زاده، حسین؛ رحیمی، مهدی (1388). بررسی موارد عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان بزه‌کار کانون اصلاح و تربیت شهر سنندج. فصلنامه نظم و امنیت، شماره چهارم، سال دوم، زمستان 1388، صص 99 – 118.
- Alssio, S.D; L, StolzenBerg (1990). " A Crime of Convenience: The Environment and Convenience Store Robbery " Environment and Behavior, Vol. 22, PP. 255-271
- Barbara, D.W (2007). Robberies with guns: Neighborhood factors and the nature of crime Journal of Criminal Justice, Vol. 35, Issue 1 PP. 39-50.
- Burton, Jr; A. L, Hochstetler; S, Velmer; F.a, Leanne (2009). Group and solo robberies: Do accomplices shape criminal form?, Journal of Criminal Justice, Vol. 37, PP. 1-9.
- Stouthamer, M; Evelyn, W (2002). "Which Family and Demographic Factors are Related to Both Maltreatment and Persistant Serious Juvenile Delinquency?" Children's Services: Social Policy, Research, and Practice, Vol.5(4), PP.261-285.
- Thio, A; T. C, Calhoun; A, Conyers.(2010). Readings in Deviant Behavior 6th Edition. Boston, MA: Allyn & Bacon.
- Warr, M (1988). Rape, Burglary and Opportunity, Journal of Quantitative Criminology, Vol, 4, PP.275-288



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی